



فراز و فرود روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

رضا کلهری^۱

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

چکیده

از زمان فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، روابط تهران-باکو معمولاً در سطح مطلوبی قرار داشته و با فراز و نشیب‌هایی در طول چندین ساله گذشته بوده است. عواملی مانند برخورداری از اشتراکات تاریخی و فرهنگی و وجود پتانسیل‌های موجود برای همکاری‌های اقتصادی به‌عنوان محرکی برای گسترش روابط دو طرف به‌حساب می‌آید. اما درعین‌حال این روابط با موانع و عوامل بازدارنده‌ای از قبیل: تداوم اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، روابط با رژیم صهیونیستی و آمریکا و پیوستن به ناتو و ... از جانب آذربایجان رویه‌رو است. بنابراین به‌رغم وجود برخی فرصت‌ها برای ارتقای سطح روابط دو کشور، عوامل چالش‌زا عملاً محدودیت فراروی روابط تهران و باکو را افزایش داده است. این پژوهش با اشاره‌ای کوتاه به پیشینه روابط ایران و جمهوری آذربایجان، فرازوفرود روابط بین دو کشور همسایه را موردبحث و بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، قفقاز جنوبی، سیاست خارجی، امنیت، فرصت‌ها و چالش‌ها.

استناد: کلهری، رضا (۱۴۰۲). فرازوفرود روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان. فصلنامه علمی تهدیدپژوهی ۱(۴). ۱۲۲-۹۹.



Ups and Downs of Relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan

Reza Kalhori ¹

Received: 2023/10/17

Accept:2024/02/04

Abstract

Since the collapse of the Soviet Union and the declaration of independence of the Republic of Azerbaijan, Tehran–Baku relations have usually been at a desirable level, with ups and downs over the past several years. Factors such as shared historical and cultural commonalities and existing potentials for economic cooperation are considered a driving force for expanding relations between the two sides. However, at the same time, these relations face obstacles and deterrent factors such as: the continuation of disputes over the legal regime of the Caspian Sea, relations with the Zionist regime and the United States, and joining NATO, etc., on the part of Azerbaijan. Therefore, despite some opportunities for elevating the level of relations between the two countries, challenging factors have practically increased the limitations facing Tehran–Baku relations. This research, with a brief reference to the background of Iran–Republic of Azerbaijan relations, discusses and examines the ups and downs of relations between the two neighboring countries.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Republic of Azerbaijan, South Caucasus, foreign policy, security, opportunities and challenges.

Citation: Kalhori, Reza (2023). Ups and Downs of Relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan. *Threat Studies Scientific Quarterly*, 1(4), 91–114.

1. PhD Student, 7th Cohort, DAFUS AJA

مقدمه

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پس از استقلال این جمهوری، دارای فراز و فرودهای فراوان بوده است. در دوران ریاست جمهوری ایاز مطلباف و با آغاز جنگ قره‌باغ، جمهوری اسلامی سعی در حل آن بحران از طریق میانجی‌گری نمود. در این دوران جمهوری آذربایجان گرایش زیادی به روسیه داشت و در واقع هنوز در یک حالت سردرگمی در نتیجه استقلال از شوروی و آغاز جنگ قره‌باغ قرار داشت. باروی کار آمدن ابوالفضل ایلچی بیگ از جبهه خلق روابط این جمهوری با روسیه و ایران کاهش یافت و غرب و ترکیه هدف اصلی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان قرار گرفتند. با تندروی‌های جبهه خلق و حرکت یک لشکر ارتش به رهبری صورت حسین‌اف به طرف باکو، ایلچی بیگ مجبور به استعفا گشت و حیدرعلی‌اف قدرت را در دست گرفت. در این دوره است که جمهوری آذربایجان روابط بینایی را با روسیه غرب و کشورهای بزرگ منطقه‌ای آغاز می‌کند. این دوره را می‌توان دوره ثبات در روابط جمهوری آذربایجان با گرایش غرب گرایانه دانست. با مرگ حیدر علی‌اف، الهام علی‌اف به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. الهام علی‌اف سیاست‌های گذشته را ادامه داد و با تزریق ارزهای به‌دست‌آمده از صادرات انرژی، سعی در توسعه کشور نمود. روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دست‌خوش نوسان بوده است. در این پژوهش سعی نگارنده بر تبیین نوسانات روابط و عوامل مؤثر بر آن است. جمهوری آذربایجان در شرق دریای خزر در همسایگی شمالی غربی ایران واقع گردیده است. قلمرو این جمهوری، قسمت جنوب شرقی کوه‌های قفقاز بزرگ، قسمت‌های بزرگی از کوه‌های قفقاز کوچک، جلگه کر، ارس و نیز قسمت‌هایی از کوه‌های تالش را در جنوب در برمی‌گیرد. مساحت جمهوری آذربایجان ۸۶ هزار کیلومترمربع است.

این جمهوری با ۵ کشور مرز مشترک دارد. طول مرزهای این کشور ۲۴۸۹ کیلومتر می‌باشد. آذربایجان از شمال با روسیه (جمهوری خودمختار داغستان)، شمال شرقی با گرجستان، در غرب با ارمنستان، جنوب با جمهوری اسلامی ایران و از جنوب غربی (جمهوری نخجوان) با ترکیه هم‌مرز بوده و در شرق نیز به دریای خزر محدود می‌شود. (امیر احمدیان، ۱۳۶۷: ۵۸-۵۹) سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد آذربایجان، تابعی از سیاست کلی کشورمان در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی می‌باشد. سیاست جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و حوزه دریای خزر، بر همکاری‌های همه‌جانبه، اعتمادسازی، صلح پایدار، بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی و تبدیل این مناطق به مناطقی باثبات استوار است. (تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۷)

پیشینه روابط ایران و آذربایجان

سرزمین آذربایجان از سالیان بسیار دور مسکونی بوده و پیوسته در قلمرو حکومت‌های ایرانی قرار داشته است تا این‌که در دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار و پس از شکست ایران از روسیه تزاری طبق معاهده صلح ترکمن‌چای (۱۸۲۸) از ایران جدا شد و تحت حاکمیت روس‌ها درآمد. پس از جنگ جهانی اول و با حاکمیت حزب مساوات، جمهوری دموکراتیک آذربایجان تأسیس شد اما عمر این جمهوری دیری نپائید و با حمله ارتش سرخ در آوریل ۱۹۲۰ از بین رفت و تحت حاکمیت کمونیست‌ها قرار گرفت. (امیر احمدیان، ۱۳۸۴: ۲۸-۲۹) کمونیست‌ها که اهداف توسعه طلبانه تزارها را به شکلی دیگر دنبال می‌کردند نام آذربایجان را که در دوره حکومت حزب مساوات انتخاب شده بود، حفظ کردند. پس از فروپاشی شوروی این جمهوری در اوت ۱۹۹۱ اعلام استقلال نمود و از کشورهای مختلف خواستار شناسایی خود شد. ترکیه ۳ روز پس از اعلام استقلال جمهوری آذربایجان این کشور را به رسمیت شناخت و ایران با تأخیری ۵ ماهه به این اقدام مبادرت

ورزید. روابط ایران و جمهوری آذربایجان پس از استقلال این جمهوری از شوروی، دارای فراز و فرودهای فراوان بوده است. در این خصوص سه دوره قابل شناسایی است. با ریاست جمهوری ایاز مطلب اف و آغاز جنگ قره‌باغ، ایران سعی نمود تا با میانجی‌گری به حل بحران کمک کند در این دوران هنوز روابط گسترده‌ای بین دو کشور به وجود نیامده بود و باکو در اوایل استقلال مجال چندانی برای تعریف روابط خود با کشورهای منطقه نداشت که علت اصلی این امر بحران قره‌باغ بود. باروی کار آمدن ابوالفضل ایل چی بیگ، ملی‌گرای تندرو، روابط تهران - باکو به حال تعلیق درآمد. اما سرانجام با انتخاب حیدر علی‌اف، سیاستمدار کهنه‌کار آذربایجانی و نیز با آتش‌بس اعلام‌شده در جنگ قره‌باغ، دوران شکوفایی روابط تهران - باکو آغاز شد. علی‌اف الگوی توسعه آذربایجان را مبتنی بر الگوی غربی تعریف نمود اما از توسعه روابط با کشورهای منطقه نیز استقبال کرد. جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۹۵ - ۱۹۹۲ در رأس شرکای تجاری جمهوری آذربایجان قرار داشت. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹) با کنار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران از پروژه نفتی قرن، که تحت فشار دولت ایالات متحده صورت گرفت. روابط دو کشور به حالت بی‌اعتمادی درآمد و جمهوری اسلامی ایران از رتبه اول در روابط تجاری، به شریک سوم تجاری جمهوری آذربایجان تبدیل شد. ترکیه و روسیه از رقبای جدی ایران در این دوران بودند. اما عامل دیگری که دو کشور را به سوی اختلاف منافع سوق داد، مسئله رژیم حقوقی دریای خزر بود. اوج رویارویی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بر سر استفاده از منابع دریای خزر در سال ۲۰۰۱ رخ داد به‌گونه‌ای که در ژوئیه ۲۰۰۱، تهران، باکو را تهدید کرد که در صورت عدم عقب‌نشینی کشتی‌های کشف و استخراج نفت که یک شرکت انگلیسی مالک آن‌ها بود، به‌زور متوسل خواهد شد، بی‌اعتنایی باکو تهران را مجبور به یک واکنش قاطع کرد. یک ناو جنگی ایران به

منطقه البرز اعزام شد و کشتی‌های کشف نفت را از منطقه بیرون کرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۳) با به قدرت رسیدن الهام علی‌اف از حزب آذربایجان نوین آذربایجان نوبت روند اتحاد با غرب سرعت بیشتری گرفت. با حذف مسیر ایران و احداث خط لوله باکو - تفلیس - جیحان، جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور تأمین‌کننده انرژی مورد توجه قرار گرفت و قفقاز جنوبی را به عرصه‌ای برای رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرارداد.

سیاست خارجی جمهوری آذربایجان

اولویت سیاست خارجی جمهوری آذربایجان بازپس‌گیری مناطق اشغالی قره‌باغ از ارمنستان است. بی‌طرفی متمایل به ارمنستان که از سوی باکو به عنوان سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال این بحران تلقی شده است عامل مهمی در تعریف روابط دو کشور محسوب می‌شود. اساس سیاست خارجی جمهوری آذربایجان شامل موارد ذیل می‌باشد:

— دنبال کردن سیاست خارجی مستقل به منظور برپایی تمامیت ارضی و حاکمیت جمهوری آذربایجان

— تفوق بر مخاطرات اهداف امنیت، استقلال سیاسی، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان

— توسعه دموکراسی پلورالیستی بر اساس اقتصاد بازار آزاد و حاکمیت قانون

— رفع نتایج تجاوز نظامی ارمنستان

— توسعه روابط متقابل حسن هم‌جواری و سودمند با دولت‌های همسایه

— غیرنظامی کردن دریای خزر

— ادغام در ساختارهای اروپایی و فرا آتلانتیکی شامل ناتو و اتحادیه اروپا

جمهوری آذربایجان عضویت ۳۲ سازمان منطقه‌ای و جهانی را داراست که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) از سپتامبر ۱۹۹۳
- سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) از ژانویه ۱۹۹۲
- سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) از سال ۱۹۹۲
- بانک جهانی از سال ۱۹۹۲
- سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) از سال ۱۹۹۲
- شورای اروپا (Council of Europe) از مارس ۲۰۰۱ (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۲۳۱)

جمهوری آذربایجان حتی قبل از استقلال، درگیر مشکلات ارضی با جمهوری ارمنستان بوده است. حل بحران قره‌باغ و امنیت استخراج و انتقال انرژی از عوامل اصلی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان به شمار می‌روند. نوع نگرش سیاست خارجی جمهوری آذربایجان برخلاف نگرش جمهوری اسلامی ایران، انتقادی و اعتراضی نیست و این جمهوری قصد ندارد تا در این خصوص هزینه‌های سنگین درگیری با نظام‌های موجود بین‌المللی را بپردازد. (شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۳) در این خصوص یکی از عوامل چالشی‌ای سیاست خارجی جمهوری آذربایجان برای ج.ا.ایران نزدیکی به رژیم صهیونیستی می‌باشد. باکو اهداف گوناگونی را از توسعه مناسبات خود با تل‌آویو جست‌وجو می‌کند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- نزدیکی به رژیم صهیونیستی امکان تأثیر بر سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده را به نفع باکو افزایش می‌دهد.
- ۲- این یک اقدام موازنه ساز در برابر مناسبات بسیار دوستانه تهران و بیروت به شمار می‌رود.

۲- مناسبات دوستانه با رژیم صهیونیستی، امکان استفاده باکو از تکنولوژی پیشرفته نظامی و همچنین تکنولوژی مدرن کشاورزی رژیم صهیونیستی را افزایش می‌دهد. عملکرد سیاست خارجی کشورها در یک محیط منطقه‌ای و یا فرا منطقه‌ای، ضمن این‌که تحت تأثیر عوامل مختلفی به صورت عملیاتی درمی‌آید، تأثیرات بزرگ و کوچکی را نیز با خود به همراه دارد. مناسبات دوستانه ایران و ارمنستان، هرچقدر هم که در سایه هم‌جواری و همسایگی قابل توجه باشد، برای جمهوری آذربایجان به عنوان یک تهدید تلقی خواهد شد و همین‌طور، روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان تحت هر عنوانی، جمهوری اسلامی را به هراس خواهد افکند. در این میان، موضع کشورهای مختلف نسبت به بحران قره‌باغ، یکی از عوامل اصلی ارزیابی باکو نسبت به آن کشورها می‌باشد.

ملاحظات روسیه در قفقاز جنوبی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی را می‌توان هماهنگ باسیاست روسیه در این منطقه دانست. ملاحظات روسیه در قفقاز جنوبی را می‌توان تحت تأثیر عوامل زیر برشمرد.

۱- روسیه خود را در مورد منازعات درون مرزهای سابق اتحاد شوروی مسئول و دارای منافع حیاتی می‌داند.

۲- هزاران روس در این جمهوری‌ها زندگی می‌کنند که روسیه خود را نسبت به منافع آن‌ها مسئول می‌داند.

۳- روسیه در رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای، قفقاز جنوبی را عرصه نفوذ انحصاری خود تلقی می‌کند و نسبت به مسائل آن بسیار حساس است. برخورد قاطع با گرجستان که از حمایت آمریکا برخوردار بود، هیچ تردیدی در این تلقی روسیه باقی نمی‌گذارد. (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۶)

بلندی‌های استراتژیک

ادعای ارضی ارمنستان نسبت به قره‌باغ، مسئله‌ای است که طی دهه‌های طولانی دوران شوروی مطرح بود اما تحت سیطره مسکو پنهان نگاه داشته شده بود. قره‌باغ کوهستانی، که از حاصلخیزترین و نیز از استراتژیکی‌ترین نقاط قفقاز جنوبی می‌باشد، همواره موضوع کشمکش میان آذری‌ها و ارمنه بوده است. (دانکوس، ۱۳۷۰: ۶۷) این بلندی‌ها دارای اهمیت فراوان نظامی است. با استقرار نیروهای نظامی در این بلندی‌ها، می‌توان راه‌های ارتباطی جمهوری آذربایجان در دشت‌های پیرامون از جمله راه ارتباطی شمالی- جنوبی آق دام به گنجه را در تیررس توپخانه بادید عالی، قرارداد. موردی که ارمنستان با در اختیار داشتن این بلندی‌ها از آن بهره‌مند شده است. (امیر احمدیان، ۱۳۶۷: ۳۲۳) همان‌طور که مشاهده می‌شود، موضوع قره‌باغ و پس گرفتن آن برای جمهوری آذربایجان یک اختلاف ارضی ساده و یا مسئله‌ای برای ارضای غرور ملی نیست، بلکه یک مسئله مهم امنیتی به شمار می‌رود. بااینکه در اوایل درگیری میان آذربایجان و ارمنستان، جمهوری اسلامی ایران از فضای گسترده‌ای برای اقدامات میانجیگرانه برخوردار بود، اما باروی کار آمدن ابوالفضل ایلچی بیگ و گرایش شدید به غرب و ترکیه و در نتیجه آن، حمایت از مواضع ارمنستان از طرف مسکو و نزدیکی تهران به گرایش اخیر و نیز تشکیل گروه مینسک از طرف شوروی امنیت و همکاری اروپا، جمهوری اسلامی را توان اثرگذاری بر بحران و طرفین آن به‌خصوص آذربایجان را از دست داد.

فقدان قدرت در قفقاز جنوبی

جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل متعددی توان تأثیرگذاری در مسائل قفقاز جنوبی را از دست داده است، هرچند بیش از حد خوش‌بینانه به نظر خواهد رسید که اصولاً چنین توانی را در طول استقلال این کشورها تا به امروز فرض کرد اما تهران در یک دوره کوتاه به‌عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در این منطقه شناخته شده بود. به

دلیل عوامل متعددی که منشأ داخلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای داشته‌اند، به‌مرور از نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی کاسته شده است. از عوامل مؤثر داخلی در کاهش این نقش که قابل‌تعمیم به کاهش تحرک کلی سیاست خارجی کشور است، مواضع انتقادی و تجدیدنظر طلبانه دولت هشتم و همچنین نهم و نیز بسیج تمام ابزارهای سیاست خارجی به‌منظور پیشبرد برنامه پرهزینه صلح‌آمیز هسته‌ای است. عامل دیگر به تنوع قومی در ایران بازمی‌گردد که به‌نوعی آرامنه و آذری‌ها را به دلیل بحران قره‌باغ رودررو کرده است. از عوامل منطقه‌ای مؤثر می‌توان به اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، بحران قره‌باغ و نیز تمایل به اجرای یک الگوی توسعه غرب‌گرا از سوی جمهوری آذربایجان و جمهوری گرجستان نام برد. همچنین به دلیل حمایت از مواضع روسیه در قبال بحران اوستیا و نیز عدم علاقه مسکو به دخالت کشورهای گوناگون در مسائل حوزه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، درواقع تحرک چندانی از سوی ایران در قبال این بحران انتظار نمی‌رفت. از عوامل فرا منطقه‌ای مؤثر در کاهش نفوذ و تأثیر ایران در قفقاز جنوبی می‌توان به حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای و فعالیت آن‌ها در قفقاز جنوبی اشاره کرد. ایالات متحده آمریکا با تحت فشار قرار دادن و یا امتیازدهی موفق به حذف جمهوری اسلامی در این منطقه شده است. «مسائلی نظیر اخراج از کنسرسیوم نفتی باکو و پروژه قرن (۱۹۹۵)، اعلام حوزه دریای خزر به‌عنوان منطقه «منافع حیاتی» از سوی آمریکا (۱۹۹۷) و توافق بر سر خطوط انتقال انرژی باکو-تفلیس-جیحان (۱۹۹۹)، جمهوری اسلامی ایران را با محدودیت‌های رسمی در سطح منطقه مواجه کرد و آمریکا در اجرای سیاست همه‌چیز منهای ایران موفق گردید.» (کرمی، ۱۳۸۸: ۵۰)

موانع موجود در توسعه روابط ج.ا. ایران و ج. آذربایجان

دو نوع مانع منطقه ای و فرامنطقه ای داریم که در ادامه به آن ها می پردازیم:

الف- عوامل منطقه ای

۱- بحران قره باغ و متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به حمایت از ارمنستان از سوی آذربایجان

۲- اندیشه پان ترکیسم و طرح یک آذربایجان بزرگ از سوی برخی محافل آذری

۳- رژیم حقوقی دریای خزر

ب- عوامل فرا منطقه ای

۱- استقبال باکو از عضو و نفوذ ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در منطقه به عنوان عاملی موازنه ساز در برابر محور مسکو، تهران، ایران.

۲- احساس خطر جمهوری اسلامی ایران از گسترش نفوذ ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز جنوبی

۳- استقبال باکو از گسترش ناتو به شرق

در کنار موانع ذکر شده، سیاست باکو در برابر پرونده هسته ای ج.ا. ایران که پیوسته بر حل مسالمت آمیز آن تأکید می کند و نیز عدم اجازه استفاده از خاک آذربایجان به عنوان پایگاهی برای حمله به ایران، به عنوان عوامل مثبت روابط دو کشور تلقی می گردد. این مواضع پیوسته در سخنرانی ها و مصاحبه های الهام علی اف مطرح شده است. از آنجاکه قفقاز جنوبی یک محیط امنیتی مستقیم برای جمهوری اسلامی ایران است و از آنجاکه احتمال تسری بحران های منطقه به کشورهای موجود دارد، جمهوری اسلامی ایران بر اساس منافع خویش، اقدام به تعریف اهداف امنیتی خود در منطقه قفقاز جنوبی نموده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رژیم صهیونیستی با سرعت جمهوری های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز را به رسمیت شناخت و به برقراری روابط دیپلماتیک با این کشورها و تأسیس

سفارتخانه در اکثر این جمهوری‌ها اقدام کرد. درواقع هدف این رژیم از توجه به این کشورها مبارزه با بنیادگرایی اسلامی تحت تأثیر ایران و کشورهای تندرو عربی و نیز افزایش نفوذ همه‌جانبه در این کشورها و کسب وجهه بین‌المللی بود. تمایل به گسترش روابط از طرف تل‌آویو با استقبال این جمهوری‌ها مواجه شد زیرا سرمایه‌گذاری‌ها، تکنولوژی و تجربیات اقتصادی این رژیم می‌توانست درروند رشد و توسعه اقتصادی این کشورها بسیار مفید باشد. در این میان روابط با جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی برخوردار است زیرا هر دو ایران را به‌عنوان تهدید اصلی خود معرفی می‌کنند. (موسوی و مولودی، ۱۳۹۱: ۲۸) ایهود باراک در سال ۲۰۰۰ در سفر به منطقه خواستار استقرار پایگاه شنود در حاشیه مرز ایران و آذربایجان شد و در سال ۲۰۰۳ دومین پایگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوبی آذربایجان با نصب دستگاه‌های شنود و باهدف جمع‌آوری اخبار از ایران تأسیس شد. علاوه بر این رژیم صهیونیستی با زیر نظر داشتن کلیه فعالیت‌های ج.ا.ایران در نزدیکی فعالیت‌های ایران در نزدیکی مرزهای آن با منطقه قفقاز و استفاده از مرزهای منطقه در تقابل احتمالی نظامی با ایران، فضای بازی سیاست خارجی ایران را محدود کرده است. (موسوی و توتی، ۱۳۹۱: ۷۲)

اهداف امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی

- حفظ وضع موجود از طریق احترام به حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت
- جلوگیری از نفوذ قدرت‌های بزرگ و بازیگران فرا منطقه‌ای در قفقاز جنوبی
- تأکید بر حل بحران‌های منطقه بر اساس ترتیبات یک نظام منطقه‌ای
- تأمین و تضمین امنیت انرژی (کرمی، ۱۳۸۸: ۲۱۹-۲۱۸)

جمهوری آذربایجان بزرگ‌ترین اقتصاد را در میان کشورهای قفقاز جنوبی داراست و این در حالی است که از تمام ظرفیت‌ها برای افزایش روابط با این جمهوری از سوی ایران استفاده نشده است. قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در کنار دریای خزر و عضویت هر دو کشور در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) و تأکید بر همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه در زمینه‌های انرژی، تجارت، حمل‌ونقل و ارتباطات، ظرفیت مناسبی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کرده است. (کولایی، ۱۳۸۹: ۷۷) با توجه به این‌که جمهوری آذربایجان کشوری محصور در خشکی است، ایران می‌تواند به‌عنوان پلی برای ارتباط این کشور با جهان خارج باشد. درواقع عنصر همسایگی باعث اهمیت یافتن هر یک از این دو کشور برای دیگری است و موقعیت جغرافیایی ایران به خاطر قرار گرفتن بین دو حوزه خزر و خلیج فارس که هر دو حوزه از قطب‌های انرژی دنیا محسوب می‌شوند اهمیت ایران را از منظر جغرافیایی افزایش می‌دهد. آشکار است باوجود همه تلاش‌هایی که غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا و نیز رقبای منطقه‌ای ایران جهت منزوی ساختن و حذف ایران از معادلات منطقه انجام داده و می‌دهند، بازهم مسیر ایران به‌سوی دنیای آزاد برای جمهوری آذربایجان، بهترین و باصرفه‌ترین مسیر می‌باشد.

روابط فرهنگی جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران

باوجود نزدیکی قرابت فرهنگی بسیار زیاد، روابط دو کشور در این زمینه چشمگیر نبوده است که می‌توان علت آن را در چند عامل برشمرد.

— تبلیغات شدید مبتنی بر اندیشه پان ترکسیم که لزوم اتحاد ترک‌زبانان را مطرح می‌کند، همراه با ساختن تصویری خیالی از جمهوری اسلامی که با برتر انگاشتن فارس‌ها، حقوق ترک‌ها را پایمال کرده است.

— تکرار ایران شمالی (آذربایجان) و آذربایجان جنوبی (مناطق شمال غربی ایران) از سوی مقامات کم‌اهمیت سیاسی و برخی از روشنفکران دو کشور که این امر به ایجاد فضای بی‌اعتمادی کمک بسیار زیادی نموده است.

— دو شکل متفاوت و حتی متضاد در ساخت سیاسی که یکی مبتنی بر هویت سکولار و دیگری شیفته هویت اسلامی است. باوجود شیعه بودن مردم آذربایجان فرهنگ و آداب و رسوم غربی به شدت در حال افزایش است.

در برخی از کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان، نگاه ضد ایرانی مشهود است. بهرام امیر احمدیان با مشاهده کتاب تاریخ مقطع پنجم دبستان در آذربایجان که نقشه آذربایجان بزرگ قسمت‌هایی از ایران را نیز در برمی‌گیرد، از این اقدام به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد بدبینی بین دو کشور نام می‌برد. (امیر احمدیان، ۱۳۶۷: ۱۹۰) هرچند پس از استقلال آذربایجان، با توجه به شیعه بودن مردم این کشور، گمان بسیاری بر سلطه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور می‌رفت و هرچند همواره ایران منبع رهنمودهای دینی در این کشور به شمار می‌رفت در رقابت با فرهنگ غربی، فرهنگ شیعی — ایرانی تأثیر و نفوذ چندانی به دست نیاورده است. (Azerbaijan ۲۰۰۸, p ۷)

فرصت سازی جمهوری اسلامی ایران برای توسعه روابط با جمهوری آذربایجان

با کمک به ازسرگیری مناسبات عادی میان ترکیه و ارمنستان به وجود خواهد آمد چراکه جمهوری آذربایجان در این زمینه بسیار حساس است. با توجه به نقش سنتی و غیر انکار روسیه در جمهوری‌های به استقلال رسیده، رقابت اصلی میان قدرت‌های منطقه‌ای بین ایران و ترکیه در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز در جریان است. باید اذعان داشت جمهوری اسلامی از تمامی ظرفیت‌ها برای افزایش رابطه با جمهوری آذربایجان بهره نبرده است. زبان ترکی آذری در آذربایجان اختلاف

بسیار ناچیزی با زبان آذری در ایران دارد، حال آنکه هردوی این گویش‌ها بسیار متفاوت از زبان ترکی استانبولی می‌باشند. تأکید بر این نزدیکی و نیز حذف عملکردهای سوءظن برانگیز از سوی دو طرف واکنش مؤثری در برابر تبلیغات پان‌ترکیسمی خواهد بود. پان‌ترکیسم که یک ایدئولوژی نژاد پرستانه است، به شدت رمانتیک و تخیلی نیز هست، تأکید بر یگانگی نژاد ترک در کشورهای پراکنده دارای لهجه‌های متفاوت ترکی، ایجاد یک امپراتوری رؤیایی از دل اروپا تا دل چین و استفاده از نمادهایی چون گرگ خاکستری (بوز کورت) در نشریات و تبلیغات پان‌ترکیسمی نمونه این رمانتیسم و تخیل‌گرایی است. (لاندو، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶) شاید در این بخش اشاره‌ای به نماد پان‌ترکسیتها خالی از لطف نباشد. گرگ خاکستری این نماد پان‌ترکیسم‌ها که با حرکت نمایشی دست راست - حالتی شبیه به چهره یک گرگ به وجود می‌آید، از یک باور افسانه‌ای شکل گرفته است. به باور پان‌ترکیسم‌ها، هیتی‌ها که از اقوام اولیه ترک‌ها تلقی شده‌اند، در دوران باستان در منطقه‌ای در آسیای مرکزی امروزی گرفتار می‌شوند، آن‌ها که قادر به شناسایی راه خویش نبودند باراهنمایی یک گرگ خاکستری موفق به ادامه مسیر خود می‌گردند. (استپانیان، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

روابط تجاری - اقتصادی

پس از استقلال جمهوری آذربایجان، در آبان ماه سال ۱۳۷۱ اولین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان در باکو گشایش یافت. (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۲۳۹) در آغاز این دوره، به جهت مناقشه آذربایجان با ارمنی‌ها بر سر مسئله قره‌باغ و بسته شدن راه‌های ارتباطی، ایران به نخستین شریک تجاری جمهوری آذربایجان تبدیل شد. (Chorbajian ۱۹۹۴، p ۵۶) روابط تجاری و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بین سال‌های ۱۹۹۵ - ۱۹۹۲ در درخشان‌ترین دوره خود تا به امروز قرار داشته است. حذف ایران از پروژه نفتی

قرن که تحت فشار ایالات متحده عملی شد از عوامل اصلی کاهش مناسبات دو کشور به شمار رفته است. یکی از مشکلات مهم اقتصادی جمهوری آذربایجان، فقدان سرمایه داخلی به منظور بهره‌برداری از منابع غنی معدنی و نفتی بوده است. نتیجه این امر وابستگی این کشور به سرمایه و دانش فنی کشورهای دیگر بوده است. ایجاد شرایط مناسب به منظور سرمایه‌گذاری‌های کلان و بین‌المللی هرچند موجب تحرک اقتصادی کشور پذیرنده خواهد شد، اما یکی از مهم‌ترین عوامل دخالت در امور داخلی به بهانه توسعه را به وجود خواهد آورد. بستر آماده و روبه رشد و درواقع فضای بکر این جمهوری برای جذب سرمایه‌های خارجی، همچنین موجب رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با یکدیگر خواهد گردید. این امر با باز شدن راه ورود ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به عنوان دشمنان شماره یک جمهوری اسلامی، منطقه را نه تنها به عرصه رقابت که به عرصه تعارض نیز تبدیل خواهد کرد. استقلال سیاسی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز بدون کسب استقلال اقتصادی بی‌معنی به نظر می‌رسد. این جمهوری‌ها دارای وابستگی‌های عمیق ساختاری به فدراسیون روسیه هستند. جمهوری آذربایجان به هر میزان که مشتاق و عجول برای تحکیم مناسبات خود با غرب باشد بازهم محکوم شرایط جغرافیایی خویش است. در این مورد جمهوری آذربایجان همواره سایه سنگین روسیه را بر فراز خویش احساس خواهد نمود. میزان صادرات و واردات میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در طول سال‌های استقلال این کشور تا به امروز ارقام متفاوتی را نشان می‌دهد. می‌توان گفت روابط تجاری - اقتصادی دو کشور متأثر از روابط سیاسی بسیار پرفرازونشیب بوده است. از ابتدای استقلال تا سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) موازنه تجاری میان دو کشور به نفع جمهوری آذربایجان بود اما از این سال تا به امروز این موازنه به نفع جمهوری اسلامی ایران است. (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۲۴۵) با وجود این که مناسبات تجاری -

اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بسیار پرفرازونشیب بوده است، متأسفانه مناسبات آذربایجان با رژیم صهیونیستی علی‌رغم دوری مسافت نسبت به ایران هر ساله در حال افزایش می‌باشد. بنا بر اعلام کمیته آمار جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۳ رژیم صهیونیستی پس از ایتالیا دومین کشور واردکننده کالا از جمهوری آذربایجان بود. نفت و محصولات نفتی به همراه محصولات کشاورزی رقمی نزدیک به ۸۵٪ کل اقلام صادراتی جمهوری آذربایجان را تشکیل داده است همچنین در این گزارش به سهم ایران در مناسبات تجاری با جمهوری آذربایجان اشاره‌ای نشده است. (روزنامه اطلاعات، ۱۳/۱۰/۱۳۸۲)

الف- زمینه‌های همکاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

گسترش روابط در زمینه‌های زیر می‌تواند کمک مؤثری در افزایش روابط تجاری - اقتصادی و نیز توجه به فرصت‌هایی داشته باشد که تاکنون به‌طور جدی از سوی طرف‌های آذری و ایرانی موردتوجه قرار نگرفته است.

۱- مبارزه با قاچاق مواد مخدر که هر دو کشور در این زمینه آسیب‌پذیرند

۲- مبارزه با قاچاق خاویار

۳- حفظ محیط‌زیست به‌ویژه محیط‌زیست دریای خزر

۴- توسعه توریسم

۵- تهیه فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی مشترک درباره فرهنگ و آداب‌ورسوم مشترک

در سال ۱۳۸۸ میزان واردات جمهوری آذربایجان از جمهوری اسلامی ایران معادل ۳۷۲ میلیون دلار بوده است و در همین سال صادرات این کشور به ایران رقمی معادل ۱۷۱ میلیون دلار بود که توازن مثبتی به میزان ۲۰۱ میلیون دلار به نفع ایران می‌باشد. (ostan-ag.gov.ir/show-news.asp?id=۱۶۶)

همچنین اقدام دیگر جمهوری اسلامی برای تقویت روابط تجاری، لغو روادید اتباع آذری برای ورود به ایران است به علت این که لغو رویداد به صورت معمول اقدامی دوطرفه بوده است، اما با این وجود هنوز طرف آذری اقدام به لغو روادید برای اتباع ایرانی ننموده است. جمهوری آذربایجان در راستای راهگذر شمال - جنوب قرار دارد و جمهوری اسلامی ایران نیز از چندی پیش به عنوان عضو دائم راهگذر شرق - غرب (تراسیکا) پذیرفته شده است که این موضوع می تواند تأثیر گسترده ای در هر چه بیشتر فعال شدن این راهگذر داشته باشد.

ب- همکاری های اقتصادی ایران با جمهوری آذربایجان

۱- قرارداد معاوضه گاز جمهوری آذربایجان از طریق ایران به جمهوری خودمختار نخجوان.

۲۰ دسامبر ۲۰۰۵ و در سفر محمود احمدی نژاد به نخجوان، نهایی شد.

۲- بهره برداری از پل مرزی پلدشت - شاه تختی که بر روی سد ارس قرار دارد. در ۲۵ مهر ۱۳۸۶ عملی شد.

۳- قرارداد فروش ۱۷۰۰ خودروی سمند به آذربایجان. ارزش این قرارداد ۸ میلیون و ۷۶۶ هزار یورو بوده است و در ۲۱ اسفند ۸۵ توافق شد.

۴- همکاری در زمینه انرژی الکتریکی و احداث خط ۱۳۲ کیلوولت جلفا توسط جمهوری اسلامی ایران.

۵- تسریع در اجرای خط ۳۳۰ کیلوولت پارس آباد ایران و ایمنی جمهوری آذربایجان و افزایش ترانزیت برق به جمهوری آذربایجان از طریق احداث نیروگاه آبی بر روی رودخانه ارس. (Ibid)

روابط نظامی

جمهوری آذربایجان پس از شکست در جنگ قره‌باغ همان‌گونه که در بخش‌های قبل اشاره شد، به دلیل قطع پشتیبانی کارشناسان نظامی روسی - با توجه به تجهیز ارتش این کشور با سلاح‌های روسی - لزوم نوسازی ارتش خود را در دستور کار قرارداد. «این کشور تلاش‌های روسیه را برای ایجاد روابط نزدیک دفاعی نپذیرفت و برای کمک‌های مهم نظامی به ترکیه روی آورد. در سایه مبارزه آمریکا علیه تروریسم، گرجستان، آذربایجان و ترکیه یک موافقت‌نامه سه‌جانبه در مورد امنیت منطقه‌ای را نهایی ساخته‌اند که روابط نظامی روزافزون ترکیه با دو کشور دیگر را تقویت خواهد کرد» (آلیکر، ۱۳۸۲: ۲۷۷) با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران نیز به‌طور عمده از سلاح‌ها، تجهیزات و همچنین تکنولوژی روسی در صنایع دفاعی خود بهره می‌گیرد و با توجه به علائق جمهوری آذربایجان در گسترش روابط نظامی - امنیتی با ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای واشنگتن، روابط دو کشور در این راستا مثبت ارزیابی نمی‌شود. با توجه به محدودیت‌های گوناگون کنگره آمریکا برای فروش تسلیحات، بهترین گزینه جمهوری آذربایجان رژیم صهیونیستی می‌باشد. روابط آذربایجان با ایالات متحده به‌واسطه محدودیت‌های کمک و فروش تسلیحات به طرفین درگیر در مناقشه ناگورنو - قره‌باغ طبق قانون حمایت آزادی، محدود مانده است. (آلیکر، ۱۳۸۲: ۴۴۸) تغییر و تحولات، بحران‌ها و کشمکش‌های موجود و ممکن در جمهوری آذربایجان تنها در درون مرزهای این جمهوری منحصر نخواهد ماند، بلکه کشورهای پیرامون خویش را نیز متأثر خواهد ساخت. در بخش آخر این فصل به شاخص‌های گوناگون این تغییر و تحولات و کشمکش‌ها اشاره می‌شود.

برخی از اقدامات تحریک‌آمیز جمهوری آذربایجان در رابطه با ایران

- ۱- در زمینه موافقت‌نامه‌های تجاری و گمرکی، طرف آذری هنوز به‌پیش نویس موافقت‌نامه ترجیحات پیشنهادی ایران پاسخ نداده است.
 - ۲- طرف آذری نسبت به کاهش متقابل عوارض دریافتی از کامیون‌ها و خودروها تمایلی ندارد.
 - ۳- پروژه‌های مشترک پل‌های مرزی به دلیل عدم تأمین مالی از سوی آذربایجان، علی‌رغم توافقات انجام‌شده، اجرایی نشده است.
 - ۴- همکاری‌های دو طرف در زمینه کشاورزی، پس از مشکلات ایجادشده برای کشاورزان ایرانی و شرکت سبلان سبز، کاهش‌یافته است. (آلیکر، ۱۳۸۲: ۲۶۱)
- این در حالی است که کمیته امداد امام خمینی تاکنون رقمی نزدیک به ۳۴ میلیون دلار در اختیار نیازمندان آذری قرار داده است. جمهوری آذربایجان حتی به اقدام جمهوری اسلامی در راستای حذف روادید از اتباع آذری، پاسخ نداد و همچنان اتباع ایرانی برای سفر به این کشور کوچک مجبور به اخذ روادید می‌باشند. جمهوری آذربایجان بسیاری از سنت‌های فرهنگی - تاریخی خود را از ایران وام گرفته است. باین‌وجود بسیار تعجب‌برانگیز است که مورخان این جمهوری سعی در اثبات هویتی مستقل و جدا از ایران در طول تاریخ این سرزمین قبل از ۱۸۲۸ و امضای عهدنامه ترکمانچای داشته‌اند. جشن نوروز باستانی، مراسم چهارشنبه آخر سال، سفره هفت‌سین هزاران واژه پارسی در زبان و ادبیات آذربایجانی، (امیر احمدیان، ۱۳۸۴: ۷۶) گواهی برخلاف بودن مدعای مورخین آذری است.

چشم‌انداز روابط دوطرف

سطح روابط ایران و آذربایجان آن‌گونه که سابقه تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مشترک ایجاب می‌کرد، گسترش چشمگیری نداشته و پس از استقلال این جمهوری به‌جز یک دوره کوتاه، شاهد افزایش همکاری متقابل نبوده است. یکی

از مهم‌ترین دلایل این اقدام همکاری متقابل که از توسعه روابط به صورت عملی جلوگیری می‌کند ایفای نقش برجسته‌تر رقبای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایران و نیز علاقه دولتمردان باکو در همکاری با آن‌ها می‌باشد. برخی از اقدامات جمهوری آذربایجان نیز می‌تواند به عنوان جدی نگرفتن روابط و توسعه آن با جمهوری اسلامی ایران تلقی شود.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به بزرگ‌ترین دشمن و درواقع بزرگ‌ترین برهم زننده نظم موردنظر آمریکا در منطقه تبدیل شد. تجدیدنظرطلبی و ویژگی اصلی سال‌های ابتدایی انقلاب بود. جمهوری اسلامی به عقیده بسیاری از کارشناسان با حمایت از مبارزان حزب‌الله و گروه حماس، یک جنگ نیابتی را با رژیم صهیونیستی آغاز کرده است. ایران که پس از انقلاب دشمن ایدئولوژیک رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد در سال‌های اخیر، به یک رقیب استراتژیک نیز برای این رژیم تبدیل شده است. شناخت شکاف‌های ظریف اما عمیق در روابط باکو - تهران همراه با پشتیبانی پدرانۀ واشنگتن، تل‌آویو را آماده بهره‌برداری از اختلاف‌ها کرده است. روابط اقتصادی تهران - باکو متأثر از روابط سیاسی آن دو فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذارده است. این روابط که اکنون در سطح بالایی دنبال نمی‌شود، این اجازه را به تل‌آویو داده است تا با صدور تکنولوژی مدرن کشاورزی و نظامی به آذربایجان، علاوه بر تقویت و تحکیم روابط، بر توسعه روابط اقتصادی خویش نیز مبادرت ورزد.

منابع:

الف) منابع فارسی:

- استپانیان، هراچ؛ (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر پان ترکیسم، تهران: آراکس.
- امیراحمدیان، بهرام؛ (۱۳۸۴). روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- امیر احمدیان، بهرام؛ (۱۳۶۷). جغرافیای قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- آلپکر، اولگا؛ (۱۳۸۲). گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه و دیگران. تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- تویسرکانی، مجتبی؛ (۱۳۸۸) مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۷، پاییز.
- دانکوس، کارر؛ (۱۳۷۰). پایان امپراطوری شوروی، ترجمه عباس آگاهی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال؛ (۱۳۸۹). فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار.
- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹.
- روزنامه همشهری، ۱۳۸۹/۵/۱۷.
- شیرازی، ابوالحسن؛ (۱۳۸۷). اصول و ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲، تابستان.

- کتاب سبز جمهوری آذربایجان؛ (۱۳۸۷). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین-المللی، تهران.
- کرمی، جهانگیر؛ (۱۳۸۳). سیاستها و اقدامات امنیتی روسیه در خارج نزدیک، کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع، تهران، انتشارات ابرار معاصر.
- کرمی، جهانگیر؛ (۱۳۸۸). «ایران و بحران اوستیای جنوبی»، مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کولایی، الهه؛ (۱۳۸۴). ایران و روسیه، فرصتها، تهدیدها و چالش‌ها، کتاب امنیت بین‌الملل ۲، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- کولایی، الهه؛ (۱۳۸۹). «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار.
- لاندو، جیکوب؛ (۱۳۸۲). پان ترکیسم «یک قرن در آرزوی الحاق گرای» ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر نی.
- موسوی، سید محمدرضا و فریبرز مولودی؛ (۱۳۹۱). «بررسی موانع راهبردی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان»، فصلنامه قفقاز، سال سوم، شماره ۹، بهار.
- موسوی، سید محمدرضا و حسینعلی توتی؛ (۱۳۹۱). «روابط رژیم صهیونیستی و قفقاز جنوبی و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه آران، سال دهم، شماره ۳۰-۳۱، بهار و تابستان.
- موسوی، سید محمدرضا؛ (۱۳۹۱). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان»، فصلنامه قفقاز، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان.

ب) منابع انگلیسی:

- Azerbaijan: Independent Islam and the State. Crisis Group Europe Report, No 191, 25 March 2008.
- Chorbajian. I. and Others. Caucasian Knot. The History and Geopolitics of Nagorno – Karabagh. Zed BOOKS. 1994. London.
- <http://www.ostan-ag.gov.ir/show-news.asp?id=166>